

را تعطیل کنند. همان جا کرکره‌های بازارها را پایین می‌کشند و تعطیل می‌کنند. با تعطیل کردن بازار، می‌بینند موضوع جدی است موافقت می‌کنند خانم‌ها را آزاد کنند اما من را آزاد نکردند. به همین دلیل، علما مقاومت کردند. آن‌ها نیز مجبور به آزادی من شدند ولی مردهای زندانی را آزاد نکردند. بعد از آزادی من، تحصن شکسته شد. این حرکت خیلی به چشم آمد.»

✚ اجازه بدهید ما هم به صحنه بیاییم

کم کم نقش زنان در انقلاب جدی می‌شود. آن‌ها برای اینکه نشان دهند در برابر موضوعات جامعه بی تفاوت نیستند، از طریق مکتب اسلام‌شناسی به دیدار علما می‌روند و اعلام می‌کنند نمی‌توانند در برابر دستگیری مردان بی تفاوت باشند. اینجاست که زنان با عقبه و حمایت علما در میدان حضور می‌یابند و راهپیمایی‌ها شکل می‌گیرد. به ویژه راهپیمایی هفدهم دی زنان انقلابی مشهد آغازی است برای بسیاری از حرکت‌های انقلابی و ضد نظام شاهنشاهی. «علما در این موضوع که خانم‌ها بیایند و بعد دستگیر شوند خیلی سخت می‌گرفتند. مردم هم تعصب داشتند. از سویی، تأیید علما برای ما خیلی مهم بود. به همین علت، حوالی سال ۵۶ تا ۵۷ چون انقلاب کمی فراگیرتر شده بود و جوان‌ها زندانی بودند، خانم‌ها را گروه‌بندی کردیم که خدمت آقایان علما بروند. حرفمان این بود: مردم دستگیر می‌شوند و ما نمی‌توانیم بی تفاوت باشیم. اجازه بدهید ما هم به صحنه بیاییم. ما مادریم و نمی‌توانیم تحمل کنیم.»

✚ مدیریت مدرسه اسلام‌شناسی را دوباره به دست گرفتم

خانم مقدسی پس از آن همه فراز و نشیب‌های انقلابی در سال ۵۹ که همسرش نماینده مجلس می‌شود، به تهران سفر می‌کند و ۲۰ سال ساکن آن شهر می‌شود. در این مدت، مدیریت مدرسه اسلام‌شناسی بر دوش خواهر اوست و خود در تهران واحد خواهران مدرسه عالی شهید مطهری را راه می‌اندازد. «بعد از انقلاب، همسر، آقای موسوی خراسانی، نماینده مجلس شد و به تهران رفتیم. همان ایام، پسر بزرگم که راهی جبهه شده بود به شهادت رسید. در تهران، با پیشنهاد آیت‌ا... امامی کاشانی، واحد خواهران مدرسه عالی شهید مطهری را راه‌اندازی کردم و در کنار مدیریت آنجا به تدریس دروس حوزوی مشغول بودم. بعد از آن، حدود سال ۷۹ مشهد برگشتم و مدیریت مرکز اسلام‌شناسی را دوباره به دست گرفتم.»

ساواک از راهپیمایی بانوان باخبر است. وقتی به میدان ۱۰ دی می‌رسند، با تعداد زیادی از مأموران چماق به دست ساواک روبه‌رو می‌شوند. «مسیر ما را بستند. می‌خواستیم از مسیر مستقیم حرم برویم که ما را به سمت خیابان گنبد سبز منحرف کردند. سمت خیابان گنبد سبز که رفتیم، یکی از مأموران جلو من آمد و گفت: بفرمایید حاجیه خانم. من را سوار خودرو و خانم‌ها را باتوم متفرق کردند. آن روز دستگیر شدم. اول من را بردند شهربانی که بیمارستان ناجا کنونی است. آن موقع، اول من سه ساله بود. یک پسر هفت ساله و یک پسر دوازده ساله هم داشتم. تا عصر همان جا بودم. نمازم را همان جا خواندم تا اینکه بعد از ظهر، من را برای بازجویی سمت وکیل آباد بردند. ماه رمضان بود. مأموری که بازجویی می‌کرد سیگار به دست می‌گفت: خانم، شما پدر ما را درآورده‌اید! ماه رمضان می‌خواهیم روزه بگیریم ولی شما نمی‌گذارید! آن زمان به صورتم روئید می‌زد. همین پوشش برای ما نوعی اسلحه بود. آن‌ها بی حجابی را رواج می‌دادند و ما روئید می‌زدیم و حربه مخالفت ما بود. روئید را تمام روز برداشته بودم. مأمور گفت: خانم، من با شیطان که نمی‌توانم حرف بزنم! روئیدت را بردار! من هم گفتم: شما می‌پرسید و من پاسخ می‌دهم؛ برداشتن روئید نیازی نیست. فقط جایی که شماره روی سینه می‌انداختند و عکس می‌گرفتند روئید را برداشتم. بعد بازجویی، دوباره من را به شهربانی بردند. حدود ساعت ۱۱ و ۱۲ شب سوار ماشینم کردند. سه مرد عقب بودند و من جلو نشستم. بیهوده من را در شهر می‌چرخاندند. می‌خواستند توی دلم را خالی کنند. بعد از آن، جایی نگه داشتند که بالای آن نوشته بود: ندامتگاه زنان. فهمیدم آمده‌ام زندان.»

خانم مقدسی را به سلول انفرادی می‌برند. لباس زندانی می‌پوشانند و خبر دستگیری‌اش به پدر می‌رسد. «بعد از دستگیری من، خانم‌های مرکز رفته بودند خانه پدرم و اطلاع داده بودند که دستگیرم کرده‌اند. پدرم، شیخ ابوالحسن شیرازی، به خانم‌ها گفته بود بروند منزل سید عیدآ... شیرازی که سر چهارراه شهید بود و موقعیت مکانی خوبی داشت تحصن کنند. جمع زیادی رفته بودند. خانم طاهایی و خانم زندی هم به همراه شاگردان خود حضور داشتند. خانم‌ها یک شب آنجا می‌مانند.»

استاندار وقت، عبدالعظیم ولیان، با آیت‌ا... شیرازی تماس می‌گیرد و می‌گوید اگر تحصن را نشکنند، خانه را به توپ می‌بندند. «خانه را با تانک محاصره کرده بودند. از سویی هم پیام داده بودند تا زندانی‌ها آزاد نشوند تحصن ادامه دارد. روز بعد، آقایان علما به بازاری‌ها پیام می‌دهند که بازار



موضوعات تفسیری، اخلاقی، علمی و... برای تبلیغ و ارائه سخنرانی از تألیفات اوست.

- تأسیس مدرسه علمیه اسلام‌شناسی حضرت زهرا (س) در سال ۱۳۴۷، مدیریت مدرسه علمیه اسلام‌شناسی حضرت زهرا از سال ۱۳۴۷ تا کنون، راه‌اندازی بخش خواهران مدرسه عالی شهید مطهری در سال ۱۳۵۹، مدیریت بخش خواهران مدرسه عالی شهید مطهری از ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۵، تأسیس پژوهشکده اسلام‌شناسی در سال ۱۳۸۹، تأسیس مرکز تخصصی زن و خانواده اسلام‌شناسی در سال ۱۳۹۳، تأسیس کانون دانش‌آموزان وابسته به مدرسه علمیه اسلام‌شناسی حضرت زهرا از پیشینه اجرایی این بانوی انقلابی است.

شیرازی، آیت‌ا... مرعشی (از استادان مدرسه عالی مطهری در تهران)، آیت‌ا... بجنوردی و... آموخت.

- درس خارج کتاب صلاه، طهارت، نکاح و حج و... قواعد الفقهیه و چند بحث دیگر فقهی و اصولی را به صورت حضوری از محضر آیت‌ا... بجنوردی و آیت‌ا... رضازاده و به صورت غیر حضوری از آیات عظام فاضل لنکرانی، سبحانی، خلخالی و... فراگرفت. هم چنین باب حادی عشر، شرح تجرید، تفسیر صافی، برهان و مباحث اخلاقی و معرفتی و... را در محضر حضرت آیت‌ا... حاج شیخ ابوالحسن شیرازی و دیگران تلمذ کرد.
- تدوین کتاب «چهل گام طلبگی» با ارائه چهل حدیث درباره اخلاق و وظایف طلاب و آماده‌سازی صدها فیش با

- صدیقه مقدسی، متولد ۱۳۲۵، دختر آیت‌ا... حاج شیخ ابوالحسن شیرازی، امام جمعه فقید مشهد و از نوادگان آیت‌ا... بروجردی نجفی، خواهرزاده آیت‌ا... شهید حاج شیخ مرتضی بروجردی و همسر حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای موسوی خراسانی، و مادر شهید سید هشام است.
- در دوازده سالگی کتاب «جامع المقدمات» را از محضر حضرت آیت‌ا... حاج شیخ شیرازی فراگرفت و سایر دروس ادبیات عرب از قبیل صمدیه، سیوطی، مغنی، منطق (حاشیه ملاعبدا...) و منطق مظفر را به طور خصوصی از محضر آیت‌ا... صالحی (از استادان درس خارج) و بعضی استادان دیگر آموخت.
- درس‌های منطق مظفر، فقه و اصول از قبیل لمعتین، مکاسب، معالم، اصول مظفر، رسایل و کفایتین را از آیت‌ا...